



## فروغ ایمان در قلب ابوطالب

پدیدآورده (ها) : صفدر لکی، شمس الله  
علوم قرآن و حدیث :: فرهنگ کوثر :: دی 1379 - شماره 46  
از 28 تا 30

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/470124>

دانلود شده توسط : مرکز مشاوره

تاریخ دانلود : 01/03/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# فروع ایمان در قلب ابوطالب

## شمس اله صفارلی

در برخی از کتب اهل تسنن جملاتی در مورد ابوطالب دیده می‌شود که حکایت از کم لطفی یا بی‌لطفی یا کینه نویسنده‌گان آن کتاب‌ها نسبت به شخصیت حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام دارد. جای شک نیست که اگر یک دهم گواه‌هایی که بر ایمان و اسلام ابوطالب آمده است، درباره یک فرد دیگر آمده بود، همگی از سنی و شیعه، بالاتفاق اسلام و ایمان او را تصدیق می‌کردند؛ ولی چگونه است که با وجود ده‌ها شاهد محکم بر ایمان او، باز گروهی وی را تکفیر کرده‌اند و حکم به کفر و عذاب او نموده‌اند و گفته‌اند که برخی از آیات که مشعر بر عذاب است، در حق ابوطالب نازل گردیده است؟!

به راحتی می‌توان فهمید که هدف از طرح این مسأله، جز طعن فرزندان ابوطالب، به ویژه امیرمؤمنان علیه السلام چیز دیگری نیست. برخی از نویسندگان اهل تسنن برای این که بهتر بتوانند ابوطالب را تکفیر کنند، دامنه بحث را به پدران پیامبر صلی الله علیه و آله کشانیده‌اند و پدر و مادر آن حضرت را نیز غیر مؤمن قلمداد نموده‌اند. (۱)

مسلم است که در موضوع نسب و نژاد، بعد از شخص خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله کسی به شرافت علی علیه السلام نمی‌رسد. به قدری نسبت و نژاد آن حضرت پاک و درخشان است که برخی از متعصبین، مانند: علاءالدین قوشچی، جاحظ و سعدالدین تفتازانی گفته‌اند: ما از کلمات

علی علیه السلام که فرموده است: «نحن اهل البيت لا يقاس بنا احد»؛ ما اهل بیت رسول الله هستیم که احدی را نتوان به ما قیاس کرد، حیرانیم.

احمدبن محمدکرزی بغدادی می‌گوید: از عبدالله بن احمد بن حنبل شنیدم که گفت: «وقتی در مورد فضیلت صحابه از پدرم، احمدبن حنبل سؤال کردم، گفت: ابوبکر، عمر و عثمان، گفتم: پس جایگاه علی بن ابی‌طالب علیه السلام کجاست؟

پدرم گفت: «هو من اهل البيت لا يقاس به هؤلاء»؛ علی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است و صحابه را نباید با او قیاس کرد.

امام احمدبن حنبل در کتاب مسند خود، مسیرسیدعلی همدانی شافعی در کتاب مودة القربى این مغالطی شافعی در مناقب و محمدبن طلحه شافعی در کتاب مطالب

السؤال نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من و علی نوری بودیم. در اختیار قدرت خدای تعالی، چهارده هزار سال قبل از خلقت آدم، پس چون خداوند آدم را خلق نمود، ما را که نور بودیم، در صلب آدم قرار داد و ما در صلب آدم پیوسته باهم بودیم، تا در صلب عبدالمطلب از هم جدا شدیم. پس در من، نبوت و در علی، خلافت را ظاهر ساخت.» (۲)

این حدیث را بسیاری از علمای اهل تسنن نقل کرده‌اند که می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

- ۱- خوارزمی در فصل چهارم مناقب.
- ۲- ابن جوزی در تذکره.
- ۳- ابن صباغ مالکی در فصول المهمة.
- ۴- گنجی شافعی در کفایة الطالب.
- ۵- ابن ابی‌الحدید در جلد دوم شرح نهج البلاغه.

۶- شیخ سلیمان بلخی حنفی در ینابیع المودة.

۷- حموی در کتاب فرائد السمتین. از طرف دیگر، طبق آنچه که از کتب تاریخی و انساب استخراج می‌شود، نیاکان حضرت علی علیه السلام برخلاف دیگران، همگی تا آدم ابوالنشر علیه السلام موحد و خدا پرست بودند و در صلب و رحم ناپاکی قرار نگرفتند.

### دلیل‌هایی بر ایمان ابوطالب

طرز تفکر و عقیده هر شخصی را از چند راه می‌توان به دست آورد:

- ۱- بررسی آثار علمی و ادبی که از او مانده است.
  - ۲- طرز رفتار و کردار او در میان جامعه.
  - ۳- عقیده دوستان و نزدیکان او. (۳)
- عقیده و ایمان ابوطالب را از سه راه یاد شده می‌توان اثبات کرد.

### راه اول؛ بررسی آثار علمی

اشعار و سروده‌های ابوطالب کاملاً بر ایمان و اخلاص او گواهی می‌دهد. اشعار ابوطالب گنجینه‌ای علمی و ادبی است که دارای مضامین عالی توحیدی می‌باشد. برای نمونه

به چند بیت آن اشاره می‌شود:

ليعلم خيارالناس انّ محمداً  
نبيّ كموسى والمسيح بن مريم

اتانا بهدى مثل ما اتياه

فكل بأمرالله يهدى و يعصم. (۴)  
اشخاص شريف و فهميده بدانند كه  
محمد ﷺ بسان موسى و مسيح، پيامبر  
است. او هدايت را براي ما به ارمغان آورد،  
همان گونه كه مسيح و موسى و تمام پيامبران  
به فرمان خدا مردم را راهنمايي و از گناه باز  
مي‌دارند.

تمنيتم ان تقتلوه و انما

امانيكم هذي كاحلام نائم

نبيّ اتاه الوحي من عند ربه

و من قال لا يقرع بها من نادم  
اي سران قریش! تصور کرده‌اید كه مي‌توانيد  
بر او دست يابيد، در صورتي كه آرزويي را كه  
در سر مي‌پرورانيد، كم‌تر از خواب‌هاي آشفته  
نيست. او پيامبر است و از ناحيه خداوند بر او  
وحي نازل مي‌شود و كسي كه جواب منفي  
بدهد، انگشت پشيماني به دندان خواهد  
گرفت.

الم تعلموا اننا وجدنا محمداً

رسولاً كموسى خطّ في اول الكتب

و انّ عليه في العباد محبة

و لاحيف فيمن خصّه الله بالحبّ  
اي قریش! آيا نمي‌دانيد كه ما او را مانند  
موسى، پيامبر مي‌دانيم و نام و نشان او در  
كتاب‌هاي آسماني قيد‌گريده است. و بندگان  
خدا محبت مخصوص به وي دارند و نبايد  
در باره كسي كه خدا محبت او را در دل‌ها به  
وديعت گذارده است، تأسف خورد.

والله لن يضلوا اليك بجمعهم

حتى اوسد في التراب دفينا

فاصدع بامرک ما عليك غضاضة

وابشربذاک وقر منک عیونا

و دعوتنی و علمت انک ناصحی

ولقد دعوت و كنت ثم امینا

و لقد علمت انّ دين محمد ﷺ

من خير اديان البرية دينا

اي برادر زاده‌ام (پيامبر اسلام ﷺ)! هرگز

قریش به تو دست نخواهند يافت و تا آن روزي

كه لحد را بستر كنم و در ميان خاك بخوابم،

دست از ياري تو بر نخواهم داشت. آنچه را

مأموري، آشكار كن و از هيچ چيز مترس و

بشارت ده و خشماني را روشن ساز. مزا به

آئين خود خواندي و مي‌دانم تو پند دهنده من

هستي و در دعوت خود امين و درستكاري

حقا كه كيش محمد ﷺ از بهترين آيين

هاست! (۵)

از اشعار معروف ابوطالب كه دلالت بر ايمان

او دارد، قصيده‌هاي «لاميه» و «ميمه» او

مي‌باشد:

لعمري لقد كلفت وجداً باحمد

واحبيته حبّ الحبيب المواصل

وجدت بنفسي دونه فحيمته

و دافعت عنه بالذري والكوائل

و آتده رب العباد بنصره

و اظهار ديناً حقاً غير باطل (۶)

گرفته باشد. جان خود را نثار او كنم و حمايت

از او نمايم به اعضاي رئيسه و غير رئيسه خود.

خداوند او را پابنده بدارد كه جمال اهل دنيا

است و نعمت دشمنان و زينت هر كوي و

محفل است. پروردگار بندگان او را با توفيقات

خود تأييد و ياري نمود و ظاهر و محقق كرد

دين حقي را كه باطل در او راه نداشت.

از ديگر اشعار او كه صراحت بر ايمان

ابوطالب دارد، شعري است كه ابن ابى‌الحديد

در جلد سوم شرح نهج البلاغه آورده است:

يا شاهد الله عليّ فاشهد

آني علي دين النبي احمد

من ضل في الدين فآني مهتد

«اي گواهان! شاهد باشيد كه من بر دين

پيغمبر خدا احمد ﷺ استوارم. هر كس از آن

خارج است، باشد. من به او هدايت شدم.»

هر يك از اين قطعات، قسمت كوچكي از

عقائد مفصل و نغز ابوطالب است كه هر يك به

تنهائي در اثبات ايمان و اخلاص گوينده آن

كافي است.

### راه دوم؛ طرز رفتار و كردار او در ميان

#### جامعه

راه دوم، نوع رفتار ابوطالب با پيامبر ﷺ و

نحوه فداكاري و دفاع او از ساحت اقدس

رسول خداست. هر كدام از آن خدمات

مي‌تواند آيينه فكر و روشنگر روحيات او

باشد، زيرا ابوطالب شخصيتي است كه راضي

نشد برادر زاده او دل شكسته شود و علي رغم

تمام موانع و نبود امكانات، زحمت بردن او را

به شام پذيرفت.

پايه اعتقاد او به فرزند برادر، تا آن حد است

كه او را همراه خود به مصلتي برد و خدا را به

مقام او قسم داد و باران رحمت طلبيد. وي در

راه حفظ رسول خدا ﷺ از پاي ننشست و

سه سال زندگي در شكاف كوه و اعماق دره را

بر رياست و سيادت مكه ترجيح داد، تا آن جا

كه اين وضعيت او را فرسوده ساخت و باعث

### ● ۱- وقتی علی علیه السلام خبر

#### مرگ ابوطالب را به

#### پيامبر ﷺ داد، وی سخت

#### گریست و به علی علیه السلام دستور

#### غسل و کفن و دفن داد و از

#### خداوند برای او طلب

#### مغفرت نمود.

به جان خودم! به قدری به واسطه وجود

احمد ﷺ در وجد و سرور غوطه ورم كه وجد

را به زحمت آورده‌ام؛ زيرا او را به قدری دوست

مي‌دارم مانند كسي كه دوست خود را به سينه

رحلت او گردید.

ایمان او به رسول خدا ﷺ به قدری محکم بود که راضی شد تمام فرزندانش کشته شوند، ولی پیامبر ﷺ زنده بماند. ابوطالب شبها علی را در رختخواب پیامبر ﷺ می خوابانید تا اگر سوء قصدی در کار باشد، به پیامبر ﷺ اصابت نکند. او حاضر شد تمام سران قریش به عنوان انتقام کشته شوند و طبعاً تمام قبیله بنی هاشم نیز کشته می شد.

### وصیت ابوطالب هنگام مرگ

ابوطالب هنگام مرگ به فرزندانش چنین گفت:

من محمد را به شما توصیه می کنم؛ زیرا او امین قریش و راستگوی عرب و حائز تمام کمالات است. آیینی آورده است که دلها بدان ایمان دارند، اما زبانها از ترس شماتت به انکار آن برخاسته است. من می بینم که افتادگان و ضعیفان عرب به حمایت او برخاسته، به او ایمان آورده اند و محمد به کمک آنها بر شکستن صفوف قریش قیام نموده است. ای خویشاوندان من! از دوستان و حامیان

حزب او (اسلام) باشید. هر کس او را پیروی کند، سعادت مند می گردد و اگر اجل مرا مهلت می داد، من حوادث و مکاره روزگار را از او دفع می نمودم. (۷)

### موضع ابوطالب در آغاز بعثت

روزی که پیامبر ﷺ تمام خویشاوندان خود را جمع کرد و آیین اسلام را بر آنان عرضه نمود، ابوطالب به او گفت: «برادر زاده! قیام کن! تو والامقامی! حزب تو گرمی ترین حزب هاست! تو فرزند مرد بزرگی هستی! هرگاه زبانی تو آزار دهد، زبانهای تیزی به دفاع تو برمی خیزد. به خدا سوگند! اعراب مانند خضوع بچه حیوان نسبت به مادرش در پیشگاه تو خاضع خواهند شد.» (۸)

### راه سوم؛ عقیده دوستان و نزدیکان

از آن جا که اهل خانه بهتر می دانند که در خانه چیست و چه می گذرد، ایمان ابوطالب را باید از زبان اهل بیت ﷺ شنید:  
۱- وقتی علی علیه السلام خیر مرگ ابوطالب را به پیامبر ﷺ داد، وی سخت گریست و به علی علیه السلام دستور غسل و کفن و دفن داد و از خداوند برای او طلب مغفرت نمود.

۲- در محضر امام

سجاد علیه السلام از ایمان

ابوطالب سخن به میان

آمد. آن حضرت فرمود:

«در شگفتم که چرا مردم

در اخلاص او تردید دارند،

در صورتی که هیچ زن

مسلمانی نبایست بعد از

اسلام آوردن در حباله

شوهر کافر خود بماند و

فاطمه بنت اسد که از

سابقین در اسلام است، تا

هنگام مرگ ابوطالب در

نکاح او بود.»

۳- امام باقر علیه السلام فرمود:

«ایمان ابوطالب بر ایمان

بسیاری از مردم ترجیح دارد و امیرمؤمنان دستور می داد از طرف وی حج به جا آورند.» (۹)

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت

ابوطالب بسان اصحاب کهف است که در دل

ایمان داشتند و تظاهر به شرک می نمودند. از

این جهت دوبار مأجور خواهند بود.»

۵- حضرت عبدالعظیم حسنی در نامه ای

از محضر امام رضا علیه السلام در مورد ایمان ابوطالب

سؤال نمود. امام رضا علیه السلام در جواب فرمود:

«بسم الله الرحمن الرحيم. اگر در ایمان

ابوطالب شک کنی، سرنوشت تو آتش جهنم

است.» (۱۰)

۶- عن ابی عبد الله الصادق علیه السلام قال:

«نزل جبرئیل علیه السلام علی النبی ﷺ فقال: یا

محمد! ان ربك یقرئك السلام و یقول:

اننی قد حرمت النار علی صلب انزلک و

بطن حملک و حجر کفک فاصلب صلب

ایک ایبه عبدالله بن عبدالمطلب و البطن

الذی حملک آمنه بنت وهب و اما حجر

کفک فحجر ابی طالب.»؛ امام صادق علیه السلام

فرمود: جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: ای

محمد! خداوند به تو سلام می رساند و

می فرماید: «من حرام کردم آتش را بر صلبی

که تو را حمل کرد و شکمی که تو را پروراند و

دامنی که تو را متکفل شد؛ پس صلب یعنی

پدرت عبدالله و شکم یعنی مادرت آمنه و

دامن یعنی عمویت ابوطالب.» (۱۱)

### پی نوشتها:

۱- الغدير، ج ۷، ص ۳۳۰.

۲- مودة القربى، (المودة الثانية).

۳- الغدير، ج ۷، ص ۳۳۱.

۴ و ۵- فروغ ابديت، ج ۱، ص ۳۰۰.

۶- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ص ۳۱۶.

۷- سيره حلبی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۸- فروغ ابديت، ج ۱، ص ۳۰۳.

۹- الغدير، ج ۷، ص ۳۹۰.

۱۰- همان، ص ۳۹۵.

۱۱- همان، ص ۳۹۲.

